

موضوع: روش شناسی اجتهاد با تاکید بر فقه خانواده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و اله الطاهرين

خدای بزرگ را شاکرم که توفیقی داده در این مکان محترم و در جمع شما و در کنار مضجع امام بزرگوار عالم آل محمد صلی الله علیه و آله بحثی را با موضوع بسیار مهم یعنی روش شناسی اجتهاد با تاکید بر فقه خانواده داشته باشم

طبیعتا باید سپاس خودم را دریغ نداشته باشم از بزرگوارانی که باعث و بانی این نشست بوده اند و چون صدا ثبت می شود نام نمی برم

موضوع بحث ما روش شناسی اجتهاد با تاکید بر فقه خانواده ؛ عنوان روش شناسی عنوان جدیدی است شاید در حوزه علمیه قم اولین باری که این عنوان مطرح شد، تقریباً دو دهه قبل بود که حقیر به دلیل درگیری بنده با این موضوع و صحبت این طرف و آن طرف این موضوع را مطرح کردم و البته زود مورد استقبال قرار گرفت به طوری که یکی از موضوعاتی که الان بسیار در اطرافش صحبت می شود همین موضوع است، روش شناسی اجتهاد گاه مثل امروز اضافه ای دارد و گاه هیچ اضافه ای ندارد. در همین مدت کوتاه حرفهای خوبی در اطراف این عنوان زده شده و تا دلتان بخواهد حرفهای ضعیف و نحیف هم زده شده است.

اولین نکته من با توجه به شرایطی که بعد طرح موضوع بوده است، احتیاط در اطراف این موضوع است.

به نظر شما این موضوع در چه دانشی جای می گیرد؟

یعنی از نظر تبارشناسی ، و جنس و جنس بحث این موضوع در کدام دانش جای می گیرد و چرا من گفتم که حدود دو دهه است که مطرح است و نگفتم حدود دویست یا سیصد سال ؟

چرا این طور شده و با این اهمیتی که دارد چرا زودتر مطرح نشده؟

ببینید از نظر تبار ، روش شناسی اجتهاد یک بحث فقهی نیست؛

و فقیه ما اگر به این بحث بپردازد بمانه فقیه نیست چون فقه می خواهد از واجب حرام مستحب مکروه صحیح باطل ضمان یا عدم ضمان بحث کند بحثهای فقهی بحثهای احکام است .

بحث ادبی لغت صرف نحو رجال حدیث علوم حدیث و تفسیر هم نیست؛

بحث روش شناسی اجتهاد می تواند جزء اصول فقه باشد و می تواند جزء فلسفه فقه باشد.

اگر دقت کنید و حتما هم اطلاع دارید جنس روش شناسی اصول فقه هم نیست ..در اصول فقه به شما چه گفته اند؟ گفته اند علم به قواعد ، که از آن قواعد استنباط حکم می شود . مثل این که شما علم پیدا می کنید به حجیت خبر ثقه . بعد از حجیت خبر ثقه حکم استنباط می کنید و روش شناسی

این هم نیست؛ با این که این کتاب هم خوشبختانه چاپ هم شده و بیرون آمده است. میتوانی نگاه کنید از نظر تبار این علم جزء فلسفه فقه است در فلسفه مضاف آن فیلسوف بیرون از علم می ایستد و ناظر به مضاف الیه صحبت می کند شما اگر دست من را نگاه کنید، این روان نویس را فقه و اجتهاد تصور کنید یک کسی بیرون می ایستد و ناظر به این صحبت می کند. روش شناسی اجتهاد یعنی اجتهاد را که کار فقیه است نگاه می کند و روش اجتهاد را که در آن کتاب ما بیست روش در آوردیم مطرح می کند در فلسفه مضاف فیلسوف بیرون آن مضاف الیه می ایستد و کسی که فلسفه دین بحث می کند چه می کند؟ می رود درون آن؟ دین را به صورت کلی فرض می کند و در اطراف دین صحبت می کند لذا می شود فلسفه دین فلسفه اخلاق لغت یا فلسفه زبان و این جا می شود فلسفه فقه به خاطر همین روش شناسی اجتهاد از تبار فلسفه فقه است به همین خاطر هم عمر طولانی ندارد اگر فلسفه فقه بود، شاید یکی از این اصولی ها صد سال یا دویست یا سیصد سال پیش آن را مطرح می کند و آن را بحث می کرد.

فلسفه های مضاف اصولا جدید است مثل این چند فلسفه را که نام بردیم و فلسفه فقه ... از این جهت جدید است و چون جدید است آن بحثهای ناحساب هم خودش را نشان داده است.

مرور زمان جلو می رود و بحثهای عمیق می ماند و بحثهای ضعیف حذف می شود.

تا این جا اگر دقت کرده باشید هم ما گزارشی دادیم از پیشینه بحث روش شناسی اجتهاد که خیلی پیشینه ندارد و هم تبار شناسی کردیم. اگر نوبت هم باشد فکر میکنم نوبت بحث سوم باشد اهمیت بحث روش شناسی اجتهاد.

خانم ها من بالاخره شما را یک پژوهشگر می بینم یکی از نهادهایی که باید حتما مطمح نظرتان قرار گیرد، همین روش شناسی است و این که پژوهشگر یک روش روشنی داشته باشد در پژوهش خود.

.....

من حاشیه مرحوم ایروانی را بر مکاسب می دیدم گاهی و گاهی وقتها میدیدم که جناب ایروانی می گوید که این چه مدل بحث کردنی است؟ اگر مکاسب را تدریس کردید خودتان تجربه می کنید ایشان می گوید: جناب شیخ شما یک مطلب را گفتید اقوال را هم گفتید ادله اقوال را هم گفتید و ضعف آن قوی را هم که قبول ندارید گفتید و برای قوی که می خواهید بیاورید دلیل می آورید و یک دفعه میگویی لکن الانصاف! سرچ کنید لکن الانصاف های شیخ را ... مرحوم ایروانی می گوید: این لکن الانصاف ها چیست؟

من اگر ادله دو طرف را بیاورم یک طرف را تضعیف و طرفی را که صحیح است تقویت کنم این لکن الانصاف چیست؟

به هر حال معترض است که این چه مدل بحث کردن است؟

اگر از شما پرسند چه می گوید شیخ انصاری هم ایستاده بر قله است سوالی که برای من پیش آمد این بود که واقعا شیخ آیا هیچ دفاعی ندارد؟

این شد که بنده افتادم دنبال فیش برداری و

این کتاب روش شناسی اجتهاد هم جلد دومی هم دارد که همان نظریه اطمینان است ؛ و من توصیه می کنم شما این کتاب جدید را ببینید

من بعد به این نتیجه رسیدم که پشت این لکن الانصاف یک روش خوابیده است.

یعنی شیخ انصاری در روش شناسی اجتهاد صناعت محور یا قاعده محور و ریاضی مسلک نیست در واقع تجمیع ظنون می کند که این جا دو روش در فقه پیدا می شود یک روش صناعت محور قاعده محور یک روش تجمیع ظنون است به طوری که این ها را که می آورد هر کدام مستقلا دلیل نیست. ولی روی هم که می ریزی آدم را به اطمینان می رساند شیخ اول به نحو اتمیک صناعت محور ، صحبت می کند اما بعدش شروع می کند یک چیزهایی جمع کردن ما می گوئیم شهرت را چه میکنی؟ با این که شهرت در مکتب شیخ حجت نیست.

ولی می آورد و یا خبر ضعیف که آن را می آورد و آن را اکنار شهرت قرار می دهد و یا از اعتبارات عقلی را می آورد مثلا مصاحبت با عقل یا ادراکات عقل، این ها می آورد و می آورد و لااقل فتوا نمیدهد و می گوید: لکن الانصاف ..لکن الانصاف .

اگر متمایل باشید و مستقلا بخواهید مطالعه کنید بنده در این فصلنامه مشهد شما جستارها بنده روش صاحب جواهر و روش آقای خوبی را آوردم .

ولذا یک پژوهشگر و یا محقق که نخواهد نظر فقهی بدهد و یا نخواهد که مقلد هم باشد؛ ولی باید روش خود را داشته باشد. من اگر بخواهم در فقه خانواده مثال بزنم :یک دفعه در بحث خانواده مثلا شما می خواهید راجع به آیات حجاب کار کنم.

آیات حجاب در قرآن ؛ شما یکدفعه می آید آیات حجاب را می آورید در سوره نور و احزاب و فکر کنم در آل عمران یا سوره نساء آمده باشد بعد می دانید چه می کند ؟ یک کتاب لغت هم کنار دستش می گذارد و به طور موردی آیات سوره نور سوره احزاب و اگر درست گفته باشم آل عمران یا نساء را هم می آورد و بعد اول یک ترجمه می کند بعد هم به طور موردی استنباط می کند و اگر هم بخواهد پایان نامه بنویسد پایان نامه می نویسد ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن ...این که مثلا لا یبدین یعنی چه ؟ ابداء زینت چیست که خلافش بشود عدم ابداء آیا اگر زینتی مرسوم شود مثل برخی زینتها برای خانم ها ..و این طبیعی است یک خانم وقتی ازدواج میکند طبعا تفاوت میکند با قبل ازدواج .

یا فرض کنید حلقه ای که دست می کندآیا این زینت است ؟

برخی کارها می طلبد که مثلا زن بخشی از اعضای بدنش پیدا باشد یک خانم قبلا که سر جوی آب می رفت که لباس بچه ها را بشوید نمی توانست آستین را تا مچ دست بیاورد این باعث می شد که همان دقایق اول آستین خیس شود ...و چه بسا اذیت شود و طبعا آستین را بالا می زند سوال این است که آیا این مصداق ابداء زینت است؟!

یا مصداق ابداء زینت نیست که حرام نیست ؟

می آید آیات حجاب را مورد به مورد بررسی میکنند، و فتوای خود را می دهد؟ و اگر هم این کار را بکند این یک مدل استنباط و اجتهاد است . اما یک مدل اجتهاد این است که می آید یک نظام درست می کند نظام حلقوی کنار هم یا نظام هرمی و در طول هم و بعد ادله را در آن نظام قرار میدهد . این جا است که آیات عفاف هم دیده می شود .

و این را هم دیده اید که برخی عفاف را غیر حجاب میدانند .

ممکن است یک خانمی حجاب اسلامی به آن معنا را رعایت نکند اما عقیف است.

یا برعکس حجاب دارد اما عفت لازم را ندارد به تعبیری بین این ها عام و خاص من وجه است و جالب است بدانید قرآن وقتی آیات حجاب را مطرح میکند: یک دفعه پای عفت را وسط می کشد و این بخاطر تفاوت نگاه است و اگر نگاه در بحث حجاب نگاه اتمیک باشد، جزیره ای باشد یا سلولی باشد یا موردی باشد حجاب غیر عفاف است ولی اگر نگاه نگاه سیستمی باشد نگاه حلقوی و هرمی به ادله باشد، دیگر نمی آید عفت را از حجاب جدا کند و حکمی را برای هر کدام جداگانه صادر کند.

این جاست که روش فقیه معلوم می شود که در اجتهاد چگونه است ... در فقه خانواده که شما الان دارید کار می کنید، ما الان درگیریمان با یک تفکر است .

یک تفکر که می گوید خانواده فقه ندارد . می گوید شما این را با ر دین می کنید که چه شود؟

برخی از این روشنفکر ها این ها می گویند فقه خانواده مثل هواپیماسازی اسلامی یا فیزیک یا ریاضی اسلامی است!! جدول اسلامی یا عمران اسلامی ... به این حرفها و به این سبک معتقد نیستند ...

وقتی از فقه خانواده صحبت کنیم به این معنا است که فقه حرفهایی د راین باره دارد ...

گروه اول که روشنفکر هست ، این گروه بحث ها را قبول ندارد و گروه دوم قبول دارد منتها به این شرط که این بحث ها به روش سنتی طرح و بررسی شود.

نوع سومی داریم که موضوع بحث من است و آن این که ما فقه خانواده ر ا پذیرفتیم و پذیرفتیم که اسلام راجع به خانواده نظر دارد ما باید در بررسی خانواده به طور سیستمی و نظام وار ببینیم شما از این آیه، عاشروهن بالمعروف یا امسکوهن بالمعروف و شما از این آیه، چه برداشت میکنید؟ این آیه می خواهد یک نظام را مطرح کند. نه فقط نظام حقوقی یا فقهی بلکه نظام اخلاقی .

اگر کسی بخواهد تحقیق کند باید در یک نظام حلقوی همه ادله را ببیند .

من معتقدم همان طور که فقیه باید نصوص مبین احکام را مطرح نظر قرار دهد باید نصوص مبین مقاصد را هم مد نظر قرار دهد ولی البته ما اجتهاد نکنیم بر خلاف مقاصد شارع .

شخصی به من گفت شما عدالت را که قبول دارید و مقاصد را هم که قبول دارید این قول معصوم را چه می کنید که اگر پسری ، دختری را بگیرد و نفقه را هم بدهد اما هیچ یک از شرایط یک شوهر خوب

را نداشته باشد بلکه شمر بن فلان هم باشد این خانم ابتلیت، فلتصبر..... باید صبوری پیشه کند مثلاً فرض کنید کسی یک دختری را شوهر می دهد و معلوم می شود این موجود یک موجود عجیبی است نه تعهد مردانه دارد و یک قلمبه پلشتی است و این شخص معتقد بود در چنین شرایطی باید دختر صبر پیشه کند.. من به این شخص گفتم من این گونه احادیث را به دیوار میزنم اولاً روایت ضعیف السند است . شما میدانید که روایات معتبر ما هم قول معصوم نیست بلکه حاکی از قول معصوم است البته گاه یک روایت را انسان از معصوم می شنود و گاه آن را از کسی می شنود فرق می کند.

بعد هم من گفتم ما یازده روایت داریم که اگر از ما چیزی نقل شد خلاف عقول یا خلاف قرآن یا خلاف مسلمات سنت کنار بگذارید این که امام صادق علیه السلام می فرمایند این روایات را کنار بگذارید، این روایات خود بخود کنار گذاشته شده است .

آیا شما این گونه روایات را محملی برای اجرای آن قائلید ؟ که کسی خانمی را بگیرد و او را حبس کند و او هم فقط صبر کند؟!

میدانید گیر کار کجاست؟ اگر این روایت درست هم بود این در واقع دارد از زاویه اتمیک نگاه میکند. من درس امروزم با شما نکته اصلی اش همین است .

ما وقتی اجتهاد میکنیم به طور سیستماتیک و مرتب باید نگاه و تحلیل و بررسی کنیم که اجتهاد با این مدل نگاه جواب میدهد و جالب هم این است که نباید از انضباط فقهی خارج شد .

از شیخ که از اجتهاد سوال می کنند که چیست می گوید : مثل کندن کوه است با ناخن این به این معنا است که کار دشواری است شما باید اول اصولتان را تقویت کنید، این کتاب هایی مثل فقه و عقل و فقه و حقوق قراردادهای فقه و مصلحت را هم مطالعه کنید ، باید موضوع شناسی خوبی صورت دهید در این باره چهار جلسه تشکیل شده این چهار جلسه را گوش کنید که عصاره یک عمر تحصیل و درس و تحقیق... است.

موضوع شناسی در فقه خانواده مهم است . البته اگر این کار را بکنید این کار بسیار ارزشمند است اولاً خانواده فقه دارد فقه اش نه یله و رها است

و نه کار به اندازه کافی کار شده است

دیشب با یکی از اساتید حرم مشرف بودیم داشتیم صحبت می کردیم مثلاً شما غرب را ببینید البته ایشان می خواست بگوید غرب عامدانه نظام خانواده را به این شکل درآورده اما من گفتم شاید غایت نبوده اما ثمره بوده است.

فرق است بین غایت کار و فائده کار ...

گاهی شخصی به قصد نصیحت چیزی را می گوید اما طرف لجبازی می کند. نصیحت می شود غایت و لجبازی می شود فائده ...

گفتم من نمی خواهم بگویم غرب غایتش این بود اما ثمره کارش این بود غرب بعد رنسانس و درگیری علم و کلیسا اصلا چه جوری میسازد زمینه را؟ مثلا در خانواده یک پازل را درست میکند. زن را از درون خانه می کشد بیرون و نقش زن را در همسر و مادر بودن تضعیف می کند و به صحنه می آورد و نظام خانواده را سست می کند

یک مجموعه نظام است ولو باطل و جالب این است که در این نظام هیچ چیز نیست که به آن یکی نخورد. اگر موضوع پایان نامه شما باشد موضوع خوبی است پازلی که غرب درست می کند.

برای خانواده و به این جا رسیده است.

کسی تاریخچه این برنامه نظام سازی غرب را برای خانواده استخراج کند کار جالبی است

اسلام هم پازل وار اهداف ازدواج را مثلا در سوره روم بیان میکند یک زمانی من سخنرانی داشتم شاید هفت یا هشت هدف را بیان میکند .

انتظار این است که شما این بحث را روی بحث خانواده پیاده کنید.

نظام وار و نه براساس نگاه اتمیک نظام خانواده را در اسلام یا غرب بررسی کنید

دوست ما آقای دکتر هدایت نیا متمرکز روی این کار بحث کرده است .

روی بحث خانواده و می توانید از کتابها و آثار ایشان در این باره استفاده کنید .

.....

سوره یاسین قلب قرآن است

الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا، وَإِنَّ قَلْبَ الْقُرْآنِ يَس .

امام صادق علیه السلام : هر چیزی، قلبی دارد و قلب قرآن سوره یس است

خیلی عجیب است اگر این روایت نبود من جرات نمی کردم با وجود سوره قدر و آیت الکرسی من از یاسین صحبت کنم ..

این سوره را هر روز تلاوت کنید، یاسین را حتی ایامی که مشکل دارید بخوانید ؛ چون سجده واجب ندارد. از امروز هم تصمیم بگیرید به این کار و به تاخیر نیندازید و این نکته که هدیه کنید به حضرت فاطمه سلام الله علیها یعنی خواندن این سوره یک کاری است و هدیه آن هم یک کار است . ساده و روان و بدون مقدمه و موخره بنده حدود سی سال است به این کار عمل می کنم و تا کنون ترک هم نکردم . انشالله این مطلب را هدیه از ما داشته باشید.